

هدف کلی
پذیرش سقراط به عنوان یک فیلسوف نمونه و همراهی با اندیشه ها و عمل او

اهداف آموزشی

توانایی بیان ویژگی‌های برجسته زندگی سقراط
برقراری ارتباط میان اندیشه ها و سبک زندگی سقراط
ذکر علت مخالفت آتنیان با سقراط و محاکمه و مرگ او

طراح: مجتبی محمودی
دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزده
سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



زندگی براساس اندیشه^۱

آن روزها، شهر آتن حال و هوای دیگری داشت. در هر کوی و برزن، به ویژه در میدان شهر، سخن از مردی بود که می گفتند به زودی محاکمه می شود. مردی که همه او را می شناختند. دیرزمانی بود که سخنان شیرین و پرمعنای او بر سر زبان ها بود. سخنان به ظاهر ساده و گاه خنده آورش ژرفای خاصی داشت. لباس های ساده می پوشید. اخلاق و منش جذابی داشت. رفتار متواضعانه و همراه با احترام او موجب شده بود جوانان زیادی مجذوبش شوند.

او هر روز در شهر به راه می افتاد و نزد بازاریان، مردم عامی و اعیان و اشراف می رفت و با آنان حرف می زد و پیوسته درباره مسائل روزمره زندگی می اندیشید و با مردم سخن می گفت.

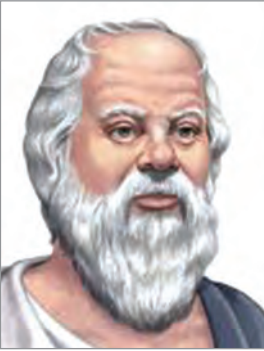


نمایی از شهر باستانی آتن

۱. برگرفته از رساله آپولوژی (دفاعیه) افلاطون و کتاب «مرگ سقراط» اثر رومانو کوار دینی و با استفاده از کتاب فلسفه سال یازدهم چاپ ۱۳۹۵، تألیف آقای دکتر طالب زاده و کتاب سرگذشت فلسفه اثر براین مگی (صص ۲۰ تا ۲۳)

- 1- جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های چه کسانی بود؟
- 2- سوفسطائیان چگونه بر شیوه زندگی مردم تاثیر می گذاشتند؟
- 3- سقراط برای چه چیزی قیام کرده بود؟

بیشتر بدانیم



سقراط در اواخر سال ۴۷۰ یا اوایل سال ۴۶۹ پیش از میلاد در شهر آتن به دنیا آمد. پدرش سنگ تراش و مادرش ماما بود. در آغاز جوانی حرفه پدری را دنبال کرد ولی زود از آن دست کشید. در زندگی قناعت پیشه کرد و در پی تحصیل معرفت حقیقی برآمد. او نزد استاد خاصی درس نیاموخت، بلکه بیشتر از راه مطالعه در آثار گذشتگان و تفکر و تأمل و رفتار صحیح در زندگی، مراتب خردمندی را پیمود. سقراط شهر آتن را به قصد شرکت در جنگ های معروف به پلوپونزی^۱ ترک گفت و در این جنگ ها از خود رشادت های فراوان نشان داد. او شاگردان و طرفداران زیادی داشت، اما بزرگ ترین شاگرد وی افلاطون بود که در تاریخ فلسفه تأثیری بسزا داشته است. سقراط سرانجام در سال ۳۹۹ پیش از میلاد از طرف برخی منتقدان آتن محاکمه و به مرگ محکوم گردید.

این مرد کسی جز **سقراط نبود**. زمزمه محاکمه چنین شخصیتی، با آن محبوبیت و احترام، چیزی نبود که به سادگی بتوان آن را باور کرد. این محاکمه عجیب در میان دوستداران سقراط غوغایی به پا کرده بود. همه می پرسیدند: جرم سقراط چیست؟ چرا می خواهند او را محاکمه کنند؟

اما سرانجام این اتفاق افتاد. **سقراط در هفتاد سالگی زندانی شد و در دادگاهی که شاید تاریخ تاکنون نظیرش را ندیده باشد، به اعدام محکوم گردید و زندگی سرشار از فضیلتش با نوشیدن جام شوکران به پایان رسید.**
سقراط چهره برجسته تاریخ فلسفه است.

1 (جامعه آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه های سوفسطائیان بود. آنان معتقد بودند که جهان را نمی توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می نامیم، تنها ساخته و پرداخته ذهن ماست و تطابق با واقعیت ها ندارد) **آنان با کمک اقسام مغالطه ها و جدل و فن سخنوری به نشر اندیشه خود می پرداختند و بر شیوه زندگی مردم تأثیر می گذاشتند.** تحت تأثیر چنین اندیشه هایی، اخلاق و فضیلت میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند) **در چنین شرایطی که جامعه آتن از حقیقت و فضیلت فاصله می گرفت و حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه کم رنگ می شد، قهرمانی به نام «سقراط» پرچم علم و فضیلت را برافراخت (او برای احیای تفکر عقلانی و استواری فضیلت قیام کرده و شالوده تفکر فلسفی اصیل را استوار ساخت.)**³

سقراط هیچ کتابی ننوشت، اما سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ما از مطالعه و تأمل در زندگی او می توانیم دفتر اندیشه های فلسفی اش را ورق بزنیم و به نقش حقیقی فلسفه در زندگی انسان، بیشتر پی ببریم. **4 (افلاطون، شاگرد برجسته وی این زندگی را حکایت کرده و مبارزه سقراط با مغالطه گران و سوفیست ها را در آثار خود به تصویر کشیده است.)**

5 **(افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را مصروف اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها کرد. با هر کس که به او گوش می داد، مسائل اساسی خدانشناسی، اخلاق، سیاست و اجتماع را در میان می گذاشت.)** بحث های او به دل می نشست و به هر کجا که می رفت، مردم، به ویژه جوانان مشتاق گرد او حلقه می زدند. **6 (سقراط، روش بحث ثابتی داشت. مفهومی از**

4- چه کسی زندگی سقراط را حکایت کرده و در آثارش چه چیزی را به تصویر کشیده است؟

۱. مجموعه جنگ هایی است که در طی سال های ۴۳۱ تا ۴۰۴ پیش از میلاد میان آتن و اسپارت رخ داد و در نهایت به تخریب آتن و انحطاط تمدن آن منتهی گردید.

پاسخ سوال 2 اندیشه صفحه بعد

- 5- افلاطون نشان می دهد که سقراط عمر خود را صرف چه اموری کرده است؟
- 6- روش سقراط در بحث چگونه بود، آن را توضیح دهید؟

1- چرا سقراط به چهره ای بسیار بحث برانگیز تبدیل شد؟
2- سقراط از گشت وگذار در شهر چه مقصودی داشت؟

مفاهیم را که در زندگی ما اهمیت حیاتی دارد، برمی‌گزید و درباره‌اش پرسش می‌کرد. مثلاً می‌پرسید «دوستی چیست؟» یا «شجاعت چیست؟» وقتی کسی داوطلب پاسخ می‌شد، با توجه به پاسخ او، سؤال دیگری طرح می‌کرد به طوری که مخاطب و پاسخ‌دهنده را به حقیقت می‌رساند و آنچه را که حق بود، از زبان پاسخ‌دهنده به دست می‌آورد. این روش گفت‌وگو و پرسش و پاسخ که سقراط به کار می‌گرفت، به تدریج به «روش سقراطی» شهرت یافت.

پاسخ سوال 2 اندیشه صفحه بعد

1) او به مردم می‌آموخت که هر چیزی را مورد سؤال قرار دهند. او جهالت افراد قدرتمند و سفسطه‌گر را به رخشان می‌کشید. از این رو او به چهره‌ای بسیار بحث برانگیز تبدیل شد. بسیاری از مردم او را دوست می‌داشتند و گروهی نیز از او بیزار بودند.¹
سقراط، خطاب به مردم آتن می‌گفت:

2) «از گشت وگذار در شهر جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و بزرگسالان را متقاعد سازم که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت، فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید...»²
او همچنین می‌گفت:

3) «من هیچ‌گاه از بیدار ساختن، پند دادن و حتی سرزنش کردن یک‌یک شما باز نمی‌ایستم و شما همه جا مرا در کنار خود می‌یابید... من کسی نیستم که برای پول سخن بگویم یا به خاطر آن، لب از گفتار فرو بندم. من هم با تهی‌دستان و هم با توانگران همنشینی می‌کنم تا از من بپرسند و به سخنان من گوش فرادهند... این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رؤیایها برعهده من نهاده است».³
3- سقراط معتقد بود که خداوند چه رسالتی را بر عهده او نهاده است؟



۱. سقراط می‌گفت من همچون یک ماما عمل می‌کنم. همان‌طور که ماما به خانم باردار کمک می‌کند تا فرزندش را به دنیا آورد، من نیز در گفت‌وگو با دیگران کمک می‌کنم که خودشان حقیقت را بیان کنند.

در رفتار و گفتار سقراط بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ چرا سقراط وظیفه خود می‌دانست که درباره مسائل اساسی زندگی با مردم صحبت کند؟

آیا مردم از او چنین درخواستی کرده بودند؟
خیر، مردم چنین درخواستی از سقراط نکرده بودند، اما سقراط می‌گفت این رسالتی است که خداوند با نداهای غیبی و در رویاها بر عهده من نهاده است

۲ سقراط، این وظیفه خود را با چه روشی انجام می‌داد؟

جواب در صفحات قبل مشخص شده است

۳ مخالفان اصلی سقراط چه کسانی بودند؟

جوانان و بزرگسالان به ویژه سوفیست‌ها

۴ با توجه به آنچه تا اینجا درباره سقراط بیان شد، آیا می‌توان برخی از اصول فکری سقراط را به دست آورد؟ درباره فضیلت و ثروت، عقل و جهل و...؟

سقراط معتقد بود که نباید جسم و مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید و به شما یادآوری کنم که ثروت فضیلت نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هرچه که برای فرد و جامعه سودمند است به دست می‌آید. سقراط، سوفسطائیان را در زمره کسانی می‌داند که گرفتار جهل مرکب شده‌اند، در این نوع از جهل، انسان اموری را نمی‌داند و نسبت به نادانی خویش نیز نادان است، بنابراین نمی‌داند که نمی‌داند، به عقیده سقراط چنین کسی در بی‌دانایی هم نیست

- 1- مقامات حکومتی سقراط را به چه جرمی محاکمه کردند؟
- 2- از نظر ملتوس جرم سقراط چه بود؟

سقراط در برابر دادگاه

سرانجام مقامات حکومتی سقراط را به اتهام فاسد کردن جوانان و بی‌ایمانی به خدایان بازداشت کردند و او را محاکمه نمودند^۱ جلسه دادگاه تشکیل شد و حاضران آماده برگزاری محاکمه شدند. ملتوس^۲ به نمایندگی از متهم کنندگان در دادگاه گفت: «جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آنها اعتقاد دارند، انکار می‌کند و از خدایی جدید سخن می‌گوید! با افکار خود جوانان را گمراه می‌سازد و آنها را از دین و آیین پدرانشان برمی‌گرداند...»^۳

ملتوس برای ادعای خود شواهدی ذکر کرد و در پایان از دادگاه برای سقراط درخواست مجازات مرگ نمود. دادگاه از سقراط دعوت کرد تا از خود دفاع کند. سقراط با چهره‌ای آرام و گام‌هایی استوار به سوی جایگاه حرکت کرد و با لحنی مطمئن به اتهامات ملتوس پاسخ داد.

۱. ملتوس، یکی از سوفسطائیان و از مخالفان سرسخت سقراط بود.

بیشتر بدانیم

مخالفان سقراط به ظاهر سه تن بودند: ملتوس شاعر، انوتوس توانگر و صاحب نفوذ، لوکون سیاستمدار و نماینده روشنفکران؛ اما در حقیقت، این سه تن نماینده همه کسانی بودند که مروج سفسطه بودند و پایه های اخلاقی شهر را ویران می ساختند و کسب ثروت را از هر راهی مجاز می شمردند. ملتوس به نمایندگی دو نفر دیگر و از جانب خود ادعای نام را در دادگاه قرائت کرد. سقراط در این دادگاه سه بار از خود دفاع کرد؛ این دفاعیات به خطابه های اول و دوم و سوم مشهور شده است. خطابه سوم بعد از اینکه هیئت منصفه رأی به قتل سقراط داد، ایراد شده است.

سقراط زندگی ساده ای داشت و به دور از تجمل روزگار می گذرانید. او می گفت: بالش من سنگ، لحافم آسمان و زیراندازم زمین است.

سقراط فقط یک فیلسوف نبود، او جنگجویی بزرگ و شجاع بود که برای وطنش می جنگید و در سخت ترین معرکه ها حاضر می شد. خودش به مردم آتن می گوید: در جنگ ها هر جا که فرماندهان مرا مأمور می کردند، می ایستادم و مرگ را حقیر می شمردم.



معبد دلفی

1 دفاعیه سقراط بیانیه ای فلسفی بود که همه اصول زندگی وی را در بر می گرفت.

لذا قسمت هایی از دفاعیه او را در اینجا می آوریم تا با اندیشه های وی بیشتر آشنا شویم. سقراط در قسمتی از دفاعیه خود می گوید:

«آتنیان! بگذارید افترايي را که از دیرباز به من نسبت داده اند و ملتوس هم همان را تکرار کرد، یادآوری کنم. آنان می گویند (سقراط رفتاری خلاف دین ما آتنیان در پیش گرفته و در پی آن است که به اسرار آسمان و زمین دست یابد. باطل را حق جلوه دهد و این کار را به دیگران هم می آموزد.)»²

سقراط پس از اینکه با توضیحات دقیق به این اتهام پاسخ داد، گفت:

«آری! کاوش و جست و جوی من برای شناخت کسانی که ادعای دانشمند بودن می کنند و جدا کردن آنها از کسانی که دانشمند حقیقی هستند، سبب شده که گروه بزرگی به غلط مرا «دانا» بنامند؛ در حالی که من دانا نیستم. فقط شاید به این دلیل که وقتی نادانی کسی را آشکار می کنم، کسانی که آنجا حاضرند، گمان می کنند که آنچه را آنها نمی دانند، من می دانم؛ حال آنکه دانای حقیقی فقط خداست.»³ راز سروش معبد دلفی¹ که در الهامی به دوستم کرفون گفته بود «داناترین مردم سقراط است»، همین بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم و اگر از من به عنوان «دانا» یاد کرد، فقط به این خاطر بود که بگوید: داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.»⁴

به تدریج گفت و گوی سقراط با ملتوس بالا گرفت و به مناظره ای طولانی تبدیل شد. سقراط، با اندکی مکث، به ملتوس رو کرد و گفت:

«از تو سؤال دیگری می کنم. آیا تو معتقدی که من خداپرست نیستم؟»

ملتوس فریاد برآورد که:

«بلی تو منکر خدایان هستی.»

4- راز سروش معبد دلفی که در الهامی به دوست سقراط، کرفون گفته بود چیست؟

۱. دلفی شهر کوچکی در یونان بود که معبد دلفی، مشهورترین معبد یونان در آنجا قرار داشت. از نظر یونانیان این معبد به ایزد بلندمرتبه، آپولون تعلق داشت؛ مردم سراسر یونان برای دین کاهن این معبد، به آنجا می رفتند.
۲. سقراط، با این جملات تواضع و فروتنی خود را در برابر علم نشان می دهد. باید بدانیم که نادانی و جهل بر دو نوع است: الف) جهل ساده: انسان اموری را نمی داند اما نسبت به نادانی خود آگاه است و بنابراین از دیگران سؤال می کند تا بداند. ب) جهل مرکب: انسان اموری را نمی داند و نسبت به نادانی خویش نیز نادان است؛ بنابراین نمی داند که نمی داند. چنین کسی در پی کسب دانایی هم نیست. البته بسیاری از دانشمندان چیزهای فراوانی می دانند، اما از آنجا که عظمت جهان را درک کرده اند و دانش خود را ناچیز می شمارند، تواضع می کنند و خود را در دسته دانایان قرار نمی دهند. سقراط از این دسته بود و به همین دلیل با اینکه سروش معبد دلفی او را دانا خوانده بود، تواضع می کرد و می گفت سروش بدان جهت مرا دانا خواند که به نادانی خود اقرار می کنم.

1- از نظر ملتوس، سقراط خورشید و ماه را چه می دانست؟

2- سقراط وجود خداوند را چگونه برای ملتوس اثبات کرد؟

3- سقراط معتقد بود که اگر از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتابد، سزاوار چیست؟

سقراط بار دیگر پرسید:

«منظورت این است که من خورشید و ماه را به خدایی نمی پذیرم؟»

ملتوس گفت: «آری، نمی پذیری؛ ای آنتیان بدانید که (سقراط خورشید را سنگ می داند و ماه

را کره ای خاکی)»¹

سقراط با متانت گفت:

«اما این افترا، که من منکر خدا باشم، وارد نیست. از تو می پرسم: آیا ممکن است که کسی صفات و امور مربوط به انسان را بپذیرد، اما منکر وجود انسان باشد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری را قبول داشته باشد ولی وجود خداوند را منکر شود؟»²

ملتوس گفت: «نه، چنین کسی پیدا نمی شود.»

سقراط گفت: «سپاسگزارم...»

سقراط در ادامه دفاعیاتش از کسانی یاد کرد که دشمن او هستند و به هر ترتیب که شده حکم مرگ وی را از دادگاه خواهند گرفت. بنابراین خطاب به حاضران گفت:

«ای مردم! کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت، هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد. اکنون که خداوند مرا مأمور کرده تا در جست و جوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم، آیا پسندیده است که از ترس مرگ یا هر خطر دیگری از فرمان الهی سربتایم؟ بلی. (اگر)³ چنین گناهی از من سرزند، سزاوار است که دادگاهی تشکیل دهند و بگویند سقراط به خدا اعتقاد ندارد. ارتکاب آن گناه دلیل بر سرپیچی از امر خداست؛ در آن صورت مدعی داشتن دانشی شده ام که در حقیقت فاقد آن هستم.»³

4- سقراط معتقد بود که گریز از چه چیزی دشوار است و چرا؟

سقراط، در پایان، خطاب به حاضران گفت:

«ای آنتیان (گریز از مرگ دشوار نیست، اما گریز از بدی دشوار است؛ زیرا بدی تندتر از مرگ می دود. من پیر و ناتوان به دام مرگ افتادم؛ ولی مخالفان من، با همه جُستی و چالاکی، در چنگال بدی گرفتار آمدند)»⁴

5- دلیل پذیرش مرگ از نظر سقراط چه بود؟

باری (اگر مرگ انتقال به جهانی دیگر است و اگر این سخن راست است که همه در گذشتگان در آنجا گرد آمده اند، پس چه نعمتی بالاتر از اینکه آدمی از این مدعیان که عنوان قاضی بر خود نهاده اند، رهایی یابد و با داوران دادگر آن جهان روبه رو شود و با نیکان و بلند مرتبان هم نشین گردد! اگر مرگ این است، حاضرم بارها به کام مرگ روانه شوم.)⁵

اکنون وقت رفتن فرا رسیده است؛ من به سوی مرگ می روم و شما به سوی زندگی. نصیب

۱. سقراط با این سخن، در حال اثبات خدا از طریق صفات و آثار او بود.

کدام یک از ما بهتر است؟ جز خدا کسی نمی داند.»

پس از ختم دادرسی، سقراط را به زندان منتقل کردند تا روزهای واپسین عمر خود را در آنجا سپری کند و در موعد مقرر جام شوکران^۱ را بنوشد.

اندیشه

سقراط الگویی از یک فیلسوف است که براساس فلسفه اش زندگی کرده و در راه پایداری به آن جان خود را فدا نموده است. در این قسمت می خواهیم در گفتار و رفتار این فیلسوف بزرگ تأمل کرده و آن اصول فلسفی را که وی با آنها زندگی کرده، استخراج نماییم:

۱ چرا شاکیان، سقراط را متهم به بی دینی و انکار خدا می کردند؟ آیا واقعاً او اعتقادی به خدا نداشت؟

سقراط حقیقتاً به خدا اعتقاد داشت و حتی معتقد بود که سرّش معبد دلفی از جانب خداوند برای او پیغام هایی می آورد تا با مردم در میان بگذارد. او به مغالطه و فریب و زیر پا گذاشتن ارزشهای اخلاقی اعتراض داشت و از مردم می خواست که به خدای برتر که همه چیز را میداند، ایمان داشته باشند و باز دیگر فضیلت های اخلاقی را زنده کنند

۲ آیا می توان با تأمل در سخنان وی در دادگاه، برخی دیگر از اندیشه های سقراط را به دست آورد؟ مثلاً درباره خدا، مرگ و...؟

خدایی که سقراط معرفی می کند دارای علم، قدرت و عدالت فوق بشری است، وی... مرگ را انتقال به جهان دیگر می دانست و معتقد بود این انتقال اگر با سربلندی باشد شیرین و اگر با جهل باشد، تلخ و زیان آور است

۳ چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می دانست؟ آیا میان «چیزی نمی دانم» سقراط با «چیزی نمی دانیم» سوفسطائیان تفاوتی هست؟ از نظر سقراط و هر انسان خردمندی

ندانستن و جهل یک عیب محسوب می شود، او حقیقتاً عاشق دانایی بود، بزرگترین کار سقراط مبارزه با جهل و نادانی مردم بود، او معتقد بود که سوفیست ها مردم را در نادانی نگه می دارند، سقراط یکی از رسالت های خود را مبارزه با مدعیان دانش...

۴ می دانست، با آنان بحث می کرد تا ثابت کند که آنها از دانش واقعی برخوردار نیستند وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می توانیم مشاهده کنیم؟

برتری فضیلت بر ثروت، فداکاری در راه حقیقت، تحمل رنج برای آگاهی مردم

نترسیدن از مرگ، احساس تواضع در برابر علم

سیسرون، فیلسوف و خطیب بزرگ رومی (متولد ۱۰۶ پیش از میلاد) درباره سقراط می گوید: او فلسفه را از آسمان به زمین آورد و آن را به خانه ها و شهرها برد. او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد.

۱. نام یک گیاه دارویی است که نوعی از آن مواد سمی دارد.